

تبیین قرآنی الگوهای رفتار اجتماعی در جامعه دینی؛ ابزاری برای طراحان برنامه درسی

hnajafih@yahoo.com
sobhaninejad@shahed.ac.ir

حسن نجفی / دکترای مطالعات برنامه درسی دانشگاه علامه طباطبائی

مهدی سبحانی نژاد / دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه شاهد

پذیرش: ۹۷/۱۱/۱۹

دریافت: ۹۷/۰۶/۰۷

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین قرآنی الگوهای رفتار اجتماعی در جامعه دینی انجام گرفته، تا ابزاری ارزشمند برای طراحان برنامه درسی کشور باشد. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی است و به منظور گردآوری داده‌های لازم، و نیل به اهداف پژوهش، منابع موجود و مرتبط با تحقیق، با شیوه‌های کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که جامعه دینی جامعه‌ای است که فرهنگ و روش‌های رفتاری آن از تعالیم دینی و وحیانی برخاسته باشد و اعضای آن در مواجهه با مقوله دین، تمام ابعاد وجودی خویش اعم از بینشی، گرایشی و کنشی را به کار بندند؛ در این جامعه دلبستگی و شیدایی به دین و ارزش‌های دینی بر هر دلبستگی دیگر غلبه داشته است، و بنابر آیات قرآن کریم الگوهای رفتار اجتماعی متناسب با آن در پنج محور شامل: رفتارهای فردی مطابق با ضرورت‌های جمعی، رفتارهای تعاملی با سایرین، رفتارهای اقتصادی، رفتارهای سیاسی و رفتارهای مرتبط با ایفای تکالیف اجتماعی، قابل تبیین است.

کلیدواژه‌ها: طراحی برنامه درسی، جامعه دینی، رفتار اجتماعی، الگوهای مطلوب.

مقدمه

دو راهنمای بزرگ؛ یعنی شرع و عقل، در مسیر فطری خویش قرار داده است. اعتقاد به زندگی مستند به عقل سلیم و دریافت فطری، ضامن تکامل بشری است. (ب) برنامه حرکت به سوی خدا که همانا کمال راستین بشر است (عیوضی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۳-۱۳۴).

دیگر اینکه اسلام دینی است که بعد اجتماعی برنامه‌های آن نسبت به بعد فردی آن بسیار گسترده‌تر و هدایت‌های این جنبه از زندگی جامعه انسانی در آن از وسعت بیشتری برخوردار است. به همین لحاظ می‌بینیم که قسمت عمده آیات قرآن مجید به تبیین امور اجتماعی انسان و روابط او با دیگران اختصاص دارد و این دسته آیات به نسبت آتاتی که عمدتاً به وجهه فردی توجه دارد، بیشتر است. اسلام تنها دینی است که اساس آئین خود را خیلی صریح و روشن بر پایه اجتماع قرار داده و در هیچ شأنی از شئون خود نسبت به اجتماع بی‌اعتنا نبوده است. به عبارت دیگر، اسلام ذاتاً اقتضای وجود جامعه‌ای همکار و هم‌درد برای انجام وظایف و تکالیف اجتماعی خود دارد. با چنین نظام و تدابیر عملی، جامعه‌ای متشکل و هماهنگ درست می‌شود، و تمام مشکلات آسان می‌گردد. چنین جامعه‌ای زودتر و بهتر به آرزوها و ثمره زحماتش می‌رسد.

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی، مفاهیم و عبارت‌هایی مانند طراحی برنامه دینی و عاملیت دین در آن، جامعه دینی، دیدگاه‌های جامعه دینی، رفتار اجتماعی، انواع رفتار اجتماعی و جهان‌بینی دینی و تأثیر حداکثری آن بر رفتار اجتماعی را مطرح کرده است، و سعی دارد به این سؤال اساسی پاسخ دهد که محورهای الگویی رفتار مطلوب اجتماعی بنا بر مفاد آیات قرآن کریم کدام‌اند؟ و مؤلفه‌ها و مصادیق آن شامل چه مواردی می‌شود؟ مطمئناً پاسخ‌گویی به چنین پرسشی می‌تواند ابزاری پایه‌ای برای طراحان برنامه دینی و تصمیم‌گیری‌های آنان در مراحل هدف‌گذاری، تعیین محتوا، انتخاب روش‌های یاددهی - یادگیری و نیز گزینش روش‌های ارزشیابی فراهم آورد؛ چراکه پژوهشگران مقاله حاضر معتقدند با وجود دینی بودن اسناد بالادستی برنامه دینی، باید ابزارها نیز دینی باشند. اما متأسفانه تاکنون دست برنامه‌ریزان درسی کشور از درون داده‌ها و ابزارهای قرآن‌بنیان، تقریباً تهی مانده است. در حقیقت، طراحان برنامه دینی با نگاه به یافته‌های این مقاله از انزوای حرفه‌ای خارج خواهند شد و اهداف

جامعه به صورت نظام اجتماعی همواره با دین به‌مثابه نهاد اجتماعی، همسویی داشته، و دین را مجموعه عقاید، اخلاق و مقرراتی برشمرده‌اند که برای اداره امور اجتماعی و پرورش انسان‌ها ثمربخش باشد. این واقعیت، نگرش کارکردگرایی دین به اجتماع را، که به شناخت رابطه دین و انسان‌ها و کارکردهای آن به صورت پدیده اجتماعی می‌انجامد، تعیین می‌کند. رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره جامعه الهی و دینی می‌فرماید: «جامعه الهی، جامعه‌ای است با دل انسانی؛ جامعه‌ای است با احساسات و عواطف صحیح و سالم؛ جامعه‌ای است که در آن، کسی به کسی، و آن جامعه به جوامع دیگر ظلم نکند؛ جامعه‌ای است که در آن، هر کاری با این احساس که "خدا می‌بیند و مؤاخذه می‌کند" انجام می‌گیرد؛ جامعه‌ای است که آحادش دچار غفلت نیستند؛ غرق در مادیت نیستند؛ غرق در خودخواهی و خودپرستی نیستند، و کار برای خدا و برای رسیدن به آستان لقای او انجام می‌گیرد. چنین جامعه‌ای کامل است و انسانی که در این جامعه زندگی کند، در نیل به کمال، موفق است» (بیانات در دیدار زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۷۱/۰۱/۱۵). دین با روش مخصوص خود، اصلاح دنیا را به‌طوری‌که موافق کمال آخرتی و حیات دائم حقیقی باشد، تأمین می‌کند. پس باید در آن قوانینی وجود داشته باشد که روش زندگانی را به اندازه احتیاج روشن کند. یعنی دین باید هم به دنیا و هم به آخرت بپردازد. دین را می‌توان به‌عنوان سرسپردگی غایی بشر که همانا رسیدن به سرچشمه هستی است، تفسیر کرد. به عبارتی روشن‌تر، غایت دین رسیدن انسان به خداست؛ پس می‌توان گفت ماهیت دین چیزی نیست جز برنامه‌ای برای رسیدن به خدا. براین اساس، در دین هم شناخت خدا، و هم حرکت به سوی او مطرح است و در واقع همین دو امر نیز پایه‌های اصلی دین را تشکیل می‌دهند؛ بنابراین، ماهیت دین از دو اصل بنیادی تشکیل شده است: الف) اعتقاد به وجود خداوند یکتا و کمال مطلق که جهان‌آفرینش را بر پایه داد و حکمت برین خویش آفریده است. همچنین اعتقاد به اینکه خداوند هر موجودی (از جمله انسان) را در بهترین نظم وجودی آفریده و آنها را هدایت کرده است؛ چنان که قرآن درباره انسان می‌فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (یس: ۴). بی‌تردید، ما انسان را در بهترین نحو وجودی آفریدیم. به‌ویژه اینکه خداوند انسان را به وسیله

پژوهش بعدی، «تحلیل نقش دین در جامعه» است. در این پژوهش از مواردی مانند: معرفت‌بخشی، هویت‌بخشی، تمدن‌سازی، هنجارسازی، مشروعیت‌بخشی، حرکت‌آفرینی، فرهنگ‌سازی، نظم‌بخشی، سلامت روانی، تربیتی و اخلاقی، به‌عنوان کارکردهای عمده دین و نقش‌های آن در جامعه یاد شده است (همتی، ۱۳۹۲).

«جامعه از منظر قرآن»، پژوهش دیگری است که زندگی اجتماعی و توجه به روح جامعه را یکی از اساسی‌ترین تعلیمات قرآن معرفی می‌کند. چشم‌اندازی که قرآن برای جامعه انسانی و تفسیر آن در مورد عوامل فعال در این جامعه ترسیم می‌کند، بر پایه نگرش شمول‌گرایانه به‌انسان به‌عنوان مجموعه‌ای متجانس و هماهنگ قرار دارد که ناظر به جنبه‌های آن است. در این چشم‌انداز، تعابیر مختلفی در آیات می‌توان مشاهده کرد که به بیان سنت‌ها و تاریخ آنها، مسائل اجتماعی و دعوت به مطالعه جوامع پرداخته‌است. بحث از هستی، چیستی و ترکیب جامعه، حل‌کننده پاره‌ای از مشکلات و ابهام‌های موجود در مباحث اجتماعی است. قرآن کریم، هستی‌پایدار جامعه را مربوط به حیات مردمی می‌داند که در آن زندگی می‌کنند، و شناخت جامعه و تغییرات آن را متکی به روابط اجتماعی افراد قلمداد می‌کند، و ازسویی، با رشد و گستردهای مردم، شبکه‌های وابستگی در میان آنان نیز تغییر می‌یابد و روابط به‌صورت تصاعد هندسی پیچیده‌تر می‌شود و شکل جدیدتری می‌یابد. قرآن برای درک این شبکه‌ها، روابط و جامعه، انسان را به شناخت درونمایه انسانی خود ارجاع داده است. وجود یک امر فطری در انسان موجب می‌شود او در برابر محیط انسانی و اجتماعی یا طبیعی و غیره، موجودی منفعل نباشد؛ زیرا در درون خود، معرفت‌ها و گرایش‌هایی نهفته دارد که در شخصیت او تأثیر بسزایی دارند، و اصولاً سیستم زندگی اجتماعی انسان در نظام آفرینش، متکی به فطرت اوست (فخرزاد، ۱۳۹۳).

پژوهش دیگر، «مؤلفه‌های تربیتی چشم‌انداز جامعه دینی مبتنی بر قرآن و حدیث» است که مرتبط با موضوع حاضر می‌باشد و از دانایی، توانایی، زیبایی و نیکویی به‌عنوان مؤلفه‌های تربیتی جامعه دینی یاد می‌کند (مروتی و همکاران، ۱۳۹۵).

بررسی بعدی **معیارهای جامعه دینی از منظر قرآن کریم** می‌باشد در این پژوهش اشاره شده که پابندی به قوانین دینی توأم با نگرش توحید، لارا بودن روحیه خردورزی، بصیرت، دانش‌اندوزی، تلاش برای اقامه و تحقق عدالت در جامعه و... جمله معیارهای بنیادین در جامعه دینی می‌باشد (اکبری، ۱۳۹۶).

مطلوبی را برای ترویج الگوهای رفتار اجتماعی در جامعه دینی تعیین می‌کند و دلالت‌های آنها، ریشه‌ای خواهد شد، و حرکتشان حرکت به‌سوی ریشه‌ها و اصالت‌ها خواهد بود. محتوا نیز چنین مأموریتی دارد و همه سعی آن، آموزش رفتار اجتماعی سازوار با آموزه‌های قرآنی خواهد شد. روش‌های یاددهی - یادگیری نیز در چارچوبی قرار خواهند گرفت که محوریت آن مؤلفه‌ها و مفاهیم قدسی می‌شود، و ضمن احترام به جایگاه ویژه معلم، به‌دنبال استفاده از توان علمی و عملی یادگیرندگان می‌باشد. روش‌های ارزشیابی نیز زمینه رشد مداوم یادگیرنده را با تأکید بر خودارزیابی فراهم خواهد کرد، و بهره‌گیری از سایر روش‌ها را زمینه‌ساز تحقق آن خواهد دانست.

پیشینه بحث

جامعه‌شناسان بزرگی همچون *امیل دورکهایم* در اثر *صور ابتدایی حیات دینی و ماکس وبر* در اثر *اخلاق پرستانی و روح سرمایه‌داری* به جایگاه دین در جامعه اشاره کردند. دورکهایم در این زمینه می‌نویسد که اساساً دین بدون جامعه دینی یا امت و تشکیلات دینی و نیز بدون کارکردهای اجتماعی وجود ندارد. خصلت و خاصیت اصلی دین از نظر او، ایجاد وفاق یا همبستگی اجتماعی از راه باورهای دینی مشترک و نیز اعمال دینی مشترک است. دین، کاملاً خصلتی جمعی و اجتماعی دارد و یک امر صرفاً فردی یا شخصی نیست (دورکهایم، ۱۳۸۳، ص ۶۳). وبر نیز به‌جد معتقد است که دین می‌تواند در سطح وسیعی از جامعه، در سیاست و اقتصاد نقش‌آفرینی کند. او در اثر خود، به‌خوبی نشان می‌دهد که چگونه نفوذ و رسوخ باورهای دینی در یک جامعه می‌تواند منجر به کار و تلاش و شکوفایی اقتصادی و حتی شکل‌گیری و رشد سرمایه‌داری شوند (همتی، ۱۳۹۲، ص ۸۷).

در ایران نیز پژوهش‌هایی به امر جامعه دینی پرداخته و نتایجی را از خود برجای گذاشته‌اند؛ از جمله آنها می‌توان به «جامعه دینی چیست؟» اشاره نمود. در این پژوهش محقق پس از بررسی مفاهیم جامعه، نظم اجتماعی، و نظام اجتماعی از منظر دانش جامعه‌شناسی، از مفهوم «فائمه به‌دین بودن یک نظام اجتماعی» سخن می‌گوید و بعد از تعریف نظام اجتماعی دینی، نظریه خود را در خصوص چیستی جامعه دینی این‌گونه بیان می‌کند که «جامعه دینی جامعه‌ای است که نظام‌های اجتماعی آن دینی باشند» (ظهیری، ۱۳۸۴).

خردگرایی، عدالت، قانون‌گرایی و کمال‌جویی در پژوهش **مبانی جامعه دینی در قرآن**، به‌عنوان شالوده و اساس جامعه دینی مطرح شد. مست (قرابان‌زاده، ۱۳۸۵).

شاخصه‌های جامعه دینی از دیدگاه قرآن کریم، مطالعه دیگر است. پژوهش مذکور چهار قسمت دارد که در قسمت اول، ضرورت وجود جامعه دینی، اقسام جامعه، واژه‌های مبین جامعه در قرآن و ارزش‌ها و ضدازش‌های اجتماعی در قرآن بررسی شده است. در قسمت دوم، به شاخصه‌های کلی جامعه، قانون الهی و اقامه دستورهای دینی پرداخته شده است. در قسمت سوم شاخصه‌های جامعه دینی در سطح متوسط، بررسی و مباحثی مانند حاکمیت و رهبری الهی، آموزش و پرورش مبتنی بر تزکیه، نقش و جایگاه خانواده، اقتصاد مبتنی بر دوری از انباشت ثروت و حقوق و قضای اسلامی مطرح شده است. در قسمت چهارم هم، شاخصه‌های جامعه دینی در سطح خرد بررسی شده است و به مباحثی مانند: روابط اجتماعی کرامت‌محور، اخوت و برادری، ظلم نکردن، رعایت حقوق دیگران، وحدت و همدلی، کنترل اجتماعی، تعاون در کارهای خیر، سیستم اجتماعی مبتنی بر نصیحت کردن، اصلاح ذات‌البین، معاشرت هدفمند و حسن ظن به دیگران، پرداخته شده است (انصاری، ۱۳۹۷).

مبانی نظری

الف) طراحی برنامه درسی و عاملیت دین در آن

طراحی برنامه درسی بر این تمرکز دارد که چه دانش، مهارت و ارزش‌هایی را متربیان باید در مدارس بیاموزند؛ چه تجارب یادگیری باید در رابطه با نتایج یادگیری در نظر گرفته شود؛ آموزش و یادگیری در مدارس یا سیستم آموزشی چگونه می‌تواند برنامه‌ریزی، اندازه‌گیری و ارزشیابی شود (آیمنی، ۲۰۱۱، ص ۲). در این مورد ملکی (۱۳۹۵) ابراز می‌دارد که طراحی برنامه درسی ضرورت جهت‌دهی ارزشی به برنامه درسی است که به دنبال آن باید عناصر برنامه درسی سازماندهی شوند. البته در این فرایند، شرایط، زمینه و بستری که وجود دارد یکی از مهم‌ترین مسائلی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

در طراحی مؤثر برنامه درسی، عوامل زیادی مؤثرند که مراد از آنها مجموعه شرایطی است که در تصمیم‌گیری طراحان برنامه درسی اثر می‌گذارد، تا تصمیم‌های ارزشی متفاوتی بگیرند و بر مبنای تصمیمات ارزشی متفاوت، عناصر متفاوتی به کار ببرند. با توجه به تأثیرگذاری این عوامل در طراحی برنامه درسی می‌توان آنها را در قالب عوامل: فلسفی، دینی، روان‌شناختی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، مدیریتی و... معرفی کرد. پژوهشگرانی در خصوص لزوم ورود دین به برنامه‌های درسی به عنوان عاملی تعیین‌کننده و اثربخش نظوروزی کرده‌اند. در این‌باره وارن و هینز

(۲۰۱۶) در اثر خود که «پذیرش جدی و بنیادین دین در برنامه درسی» نام دارد، معتقدند که بعضی از مسائل فقط از طریق دین می‌توانند شناخته شوند، از این‌رو، آموزه‌های دینی مرتبط با ماهیت هستی و دیگر ابعاد مختلف زندگی باید در تمام عناصر برنامه درسی مدنظر قرار گیرد. کیتسکی و گراهام (۲۰۱۰) هم در مطالعه‌ای تحت عنوان «جایگاه دین در برنامه درسی»، ضمن تأیید ورود مفروضات عمیق مبتنی بر ماهیت دین در برنامه‌های درسی چنین می‌نویسند که در سراسر دوره‌های تاریخی و در بطن فرهنگ‌ها و تمدن‌های گذشته برنامه‌های درسی همواره نگاهی به اعتقادات دینی و مذهبی و فرقه‌ای داشته‌اند. مهرمحمدی (۱۳۸۸) بحث‌های کلاسی خویش تحت عنوان: «نظریه‌های برنامه درسی» بیان می‌دارد که پذیرش دین هرگز به معنای مخالفت با آزاداندیشی نیست؛ بلکه می‌تواند بسیار مولد و الهام‌بخش نیز باشد؛ زیرا می‌توان نوعی مواجهه کثرت‌گرایانه از دین و آموزه‌های آن را متصور شد، و دین این توانمندی را در ورود به سایر عرصه‌ها بخصوص برنامه‌های درسی دارد. ملکی (۱۳۸۲) نیز در اثر خود که «دین و برنامه درسی» نام دارد، چنین آورده است که در نگاه دینی، انسان استعدادهای عالی فطری و شخصیتی چندبعدی دارد که هر کدام از آنها در کمال آدمی جایگاه خاص خود را دارد؛ بنابراین، برنامه درسی باید با روحی دینی طراحی شود و همه ابعاد وجودی انسان را از جهت یادگیری و رشد، تحت پوشش قراردهد، اگر چنین نشود، برنامه درسی با فطرت انسان همسو و هماهنگ نخواهد بود و با طراحی چنین برنامه‌ای، زمینه برای تربیت انسانی یک‌بعدی فراهم خواهد شد. اعضای انجمن نظارت و تدوین برنامه درسی (۱۹۸۷) در گزارش خود که «دین در برنامه درسی» نام داشت، اعلام کرده‌اند که بی‌توجهی به جایگاه دین در برنامه درسی قطعاً تأثیرات منفی خاص خود [از جمله سکولار شدن برنامه درسی و دور ماندن آن از مباحث دینی] را در دوره عمومی آموزش و پرورش به دنبال خواهد داشت.

همان‌گونه که مشخص است یکی از عوامل مؤثر بر طراحی برنامه درسی یا تصمیم‌گیری درباره کیفیت عناصر برنامه درسی عامل دین است، و حق دخالت در آن را دارد و می‌تواند انسان‌سازی کند یا انسان درمانده در مادیات و دورمانده از معنویت دینی را به پالایش درآورد (بستان، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۲). هیئت تحریریه مؤسسه مکاتباتی اسلام‌شناسی در کتاب: *انسان کامل از دیدگاه کی‌یرگارد، یاسپرس، سارتر* (۱۳۶۲)، با مروری بر اندیشه تربیتی

مراجعه به آن، نسلی با رفتارهای اجتماعی مطلوب تربیت شوند و دست به دست هم بدهند تا جامعه دینی و صالح ایجاد گردد.

ب) جامعه دینی

جامعه به گروه‌هایی از انسان‌ها گفته می‌شود که گرد هم آمده‌اند تا به منظور تعاون مشترک، تحت لوای فرهنگ واحد و روش و شیوه واحدی، که مورد قبول همگان است، زندگی سالم و سعادت‌مندی داشته باشند. آن‌گاه که این فرهنگ و روش رفتاری واحد، از تعالیم دینی و وحیانی برخاسته باشد، آن جامعه را جامعه دینی گویند و یا به تعبیری، این دین است که سلامت و سعادت زندگی آنان را تضمین می‌کند. البته نباید نادیده گرفت که عقل (نظری و عملی) در کنار شرع، نقش اساسی ایفا می‌کند، و این عقل است که دین را توجیه می‌کند و آن را بارور می‌سازد، و انسان‌ها را به حقایق نهفته در دل تعالیم دینی آگاه می‌کند. در لسان شریعت، عقل رسول درونی است که پیامبران به یاری آن شتافته‌اند. بنابراین، عقل و شرع، در تعالیم دینی، هیچ‌گاه از هم جدا نیستند، بلکه هر دو، در کنار یکدیگر، بشریت را سعادت‌مند می‌کنند. از منظر قرآن، جامعه انسانی، آن‌گاه می‌تواند لذت‌بخش باشد که افراد آن جامعه با جان و دل، به فرامین عقل و شرع تن در دهند و توأمأً مسیر خود را مشخص کنند، و از جاده حق و حقیقت، منحرف نگردند. این هدف، زمانی تحقق می‌یابد که مؤلفه‌هایی مانند: حق‌مداری، عقل‌گرایی، عدالت‌محوری، کمال‌جویی، قانون‌مداری و اخلاق‌مندی رعایت گردد (معرفت، ۱۳۸۴).

ج) دیدگاه‌های جامعه دینی

براساس نتایج پژوهش فولادی (۱۳۹۲) سه دیدگاه پیرامون

«جامعه دینی» وجود دارد:

۱. جامعه‌ای که در آن داوری با دین باشد و افراد آهنگ خود را همیشه با دین موزون کنند. جامعه دینی دغدغه دین دارد و این دغدغه و احساس نیاز به همسو کردن خود با دین، تنها به امور فردی و عبادیات و اخلاق فردی محدود نمی‌شود، بلکه باید نسبت میان دین و کلیه امور اجتماعی سنجیده شود، و داوری دین در همه خطوط و زوایای تمامی شبکه اجتماعی نافذ باشد. این بدان معنا نیست که جامعه دینی همه چیزش را تنها از متون دینی اخذ و اقتباس می‌کند و هیچ نیازی به منابع معرفتی دیگر، نظیر عقل و

یاسپرس، او را، که یک وجودگرای مذهبی است، فیلسوف و مربی باورمندی می‌داند که با گرایش عرفانی می‌کوشد نقش مذهب و باورهای دینی را در برنامه‌های تربیتی و بازسازی فرد انسانی، مهم و حیاتی جلوه دهد. تولاسویچ و یی‌تو (۱۹۹۳) در کتاب *آموزش و پرورش در ادیان و آیین‌های جهانی* چنین می‌نویسند: تلاش برای ارائه برنامه درسی بدون هسته دینی به بیراهه رفتن است. براساس نتایج پژوهش باقری (۱۳۸۷) می‌توان چنین برداشت کرد که دینی بودن برنامه درسی به این معناست که برنامه درسی، صبغه دینی دارد؛ صبغه‌ای که از پیش فرض‌های برگرفته از آموزه‌های دینی نشئت یافته است. از سوی دیگر، به اعتقاد معروفی و کرمی (۱۳۹۲) در این نوع از برنامه درسی استفاده از دین در راستای توسعه ظرفیت‌ها، صلاحیت‌های درونی و بیرونی، بودن و به کمال رسیدن است. چنین برنامه‌ای در واقع به دنبال دستیابی به سطوح بالاتر، توسعه همه‌جانبه‌آگاهی و درک رابطه با وجود متعالی (خدا) و تأثیرگذار بر زندگی می‌باشد. موسی‌پور و امیرسرداری (۱۳۸۴) نیز معتقدند دین به‌عنوان مجموعه‌ای از معارف حاصل از وحی، ترسیم‌کننده وضع مطلوب حیات فردی و جمعی و چگونگی تنظیم روابط آدمی با جهان پیرامون اوست، که دارای چارچوب منطقی و زیربنای استدلالی است. دین به پرسش‌هایی از این نوع که جهان چیست؟ و خالق آن چه کسی است؟ آدمی کیست؟ معرفت چگونه است؟ پاسخ می‌دهد و بر پایه پاسخ‌هایی که عرضه می‌کند، نوع خاصی از جهان‌بینی را پدید می‌آورد. براین اساس، می‌توان گفت که دین در فرایند طراحی عناصر برنامه درسی نقش مؤثری دارد و نگاه برنامه‌ریز به جهان، انسان و اجتماع را دگرگون می‌کند، و به تبع این دگرگونی، اعمال متفاوتی از او صادر می‌شود. به عبارت دیگر، دین همچون فضایی برای برنامه‌ریز درسی عمل می‌کند که هدایتگر، انرژی‌بخش و محدودساز است؛ یعنی جهت و مقصد حرکت، انرژی‌فعالیت و حدود عمل را مشخص می‌سازد و بدین ترتیب محصولی تولید می‌شود که در فضای غیردینی به دست نخواهد آمد.

به نظر نویسندگان پژوهش حاضر، یکی از بنیادهای دین‌شناختی، که باید در طراحی برنامه‌های درسی به آن توجه نمود، این است که «متعالی‌ترین لایه هویتی انسان، هویت توحیدی است، که فراتر از مرزبندی‌های جنسیتی، قومی، نژادی، تاریخی، فرهنگی و اجتماعی می‌باشد». براین اساس، محققان در بخش یافته‌ها، به دنبال تولید یک ابزار قرآنی برای طراحان برنامه درسی هستند تا به‌واسطه

دو یا چند انسان باشد. به عبارت دیگر، رفتار اجتماعی دربرگیرنده رفتارهایی است که از عوامل اجتماعی تأثیر پذیرفته‌اند و به طور اولیه آموخته می‌شوند و به‌طور اختصاصی در گروه و زندگی گروهی شکل گرفته‌اند و ساخته می‌شوند (ترقی‌جاه، ۱۳۷۵، ص ۳۸).

ه) انواع رفتار اجتماعی

رفتارهای اجتماعی براساس مؤلفه‌های متعددی از قبیل فرهنگ و هنجارهای اعتقادی، ارزشی و قانونی مورد قبول فرد یا جامعه و همچنین نقش فرد در اجتماع و هویتی که به دست آورده است، تنظیم می‌شود. در یک تقسیم‌بندی رفتار اجتماعی را می‌توان به دو نوع بسیار گسترده: جامعه‌پسند و جامعه‌ستیز، تقسیم کرد. رفتار جامعه‌پسند آن دسته از رفتارهایی را شامل می‌شود که مورد قبول جامعه است و با قوانین و هنجارهای جامعه مطابقت دارد. این نوع از رفتارها سازنده و در جهت پیشبرد اهداف یک گروه یا اجتماع هستند. از سوی دیگر رفتار جامعه‌ستیز رفتارهایی منفی هستند که با قوانین و معیارهای جامعه مطابقت ندارند، مورد قبول افراد جامعه نیستند، و اغلب پیامدهای منفی اجتماعی را برای فردی که مرتکب این رفتارها می‌شوند به همراه دارند. این دسته از رفتارها، مخرب‌اند و مانع پیشبرد اهداف گروه یا اجتماعی هستند که فرد در آن قرار دارد. تعیین اینکه کدام رفتار جامعه‌پسند و کدام جامعه‌ستیز محسوب می‌شود بر حسب منابع متعددی صورت می‌گیرد. دو منبع معتبر برای این بررسی «قوانین رسمی در جامعه» و «هنجارهای عرضی و فرهنگی آن جامعه» است. هر کدام از این منابع می‌توانند منبع تعیین‌کننده‌ای برای جامعه‌پسند یا جامعه‌ستیز بودن یک رفتار اجتماعی باشند (احمدی و داوودی، ۱۳۹۲، ص ۵؛ رستمی و شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۷، ص ۳۷۰-۳۷۱).

و) جهان‌بینی دینی و تأثیر حداکثری آن بر رفتار اجتماعی

با توجه به اینکه سبک و نوع رفتار اجتماعی هر فرد و جامعه‌ای متأثر از نوع باورها (جهان‌بینی) و ارزش‌های (ایدئولوژی) حاکم بر آن فرد و جامعه است، جهان‌بینی الهی و ارزش‌های کمال‌گرایانه و سعادت‌محورانه، با رویکردی حداکثری رفتار اجتماعی خاصی را شکل می‌دهند. لذا دین در گام نخست با ارائه جهان‌بینی و ایدئولوژی، زیربنای شکل‌دهی به رفتار اجتماعی را می‌سازد؛ سپس با ارائه دستورالعمل‌های خاصی برای

دانش تجربی بشری ندارد؛ بلکه مقصود آن است که در مواردی که دین نظر خاصی در عرصه‌ای از روابط اجتماعی ارائه کرده است، نباید چشم از آن پوشید؛ بلکه شایسته و بایسته است که آن رابطه و مناسبات اجتماعی با آموزه‌های دینی مربوط درآمیزد. در این زمینه رهنمایی (۱۳۹۶) معتقد است که مناسبات اجتماعی، فرهنگی و ارزشی در یک نظام یا جامعه دینی و مذهبی برخاسته از دین است و دیانت و مذهب، خاستگاه اصلی آنهاست. از منظر او، مواردی اصیل و واقعی به‌شمار می‌روند که یا از دیانت و فطرت ما نشئت گرفته باشند و یا اگر هم از ملیت و قومیت ما، یا از هر عامل دیگر حاصل شده‌اند، دین و فطرت، آنها را تأیید و امضا کرده باشد.

۲. جامعه‌ای که سلول‌های تشکیل‌دهنده آن؛ یعنی افراد جامعه «دیندار» باشند. این تعریف بسیار گسترده است؛ زیرا وجود افراد دیندار شرط لازم تحقق جامعه دینی است؛ ولی کافی نیست. ممکن است همه افراد جامعه دیندار باشند، اما روابط و نهادهای اجتماعی آنها دینی نباشد.

۳. جامعه‌ای که دین، هدایت شبکه روابط و کردارهای اجتماعی آن را بر عهده داشته باشد. در این تعریف، برای دین در عرصه زندگی اجتماعی نقش انفعالی در نظر گرفته شده است. دین نقش فعال در هدایت کردارهای جمعی و جهت‌دهی شبکه روابط اجتماعی ندارد.

فولادی دیدگاه‌های مذکور را این‌گونه قضاوت می‌کند که: طبیعی است که معنای دوم و سوم پذیرفتنی نیست؛ زیرا در معنای دوم، مفروض این است که «جامعه دینی» جامعه‌ای است که افراد آن دیندار باشند. ضرورتی ندارد که روابط اجتماعی و یا نهادهای کلان اجتماعی نیز دیندار و پایبند به دین باشند. طبیعی است که مراد ما از جامعه دینی، صرف وجود افراد دیندار در این جامعه نیست. دین باید حضوری پررنگ در مناسبات اجتماعی داشته باشد. اما در معنای سوم نیز چون نقشی بسیار انفعالی برای دین در نظر گرفته شده است و دین نقش کم‌رنگی در مناسبات اجتماعی دارد. منظور نظر ما نیست. از این‌رو، مراد از جامعه دینی، معنای نخست است (فولادی، ۱۳۹۲، ص ۵۹).

د) رفتار اجتماعی

انسان درون اجتماع زندگی می‌کند و لاجرم رفتارهایی که از او سر می‌زند، بخشی از آنها در ارتباط با تعاملات اجتماعی است و یا به‌نحوی از طرف عوامل اجتماعی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. به‌طوری‌که رفتار یک فرد در تنهایی متفاوت از رفتاری خواهد بود که در جمع از خود نشان می‌دهد. رفتار اجتماعی یعنی هر رفتار که متضمن کنش متقابل

برادرند، پس [در تمام اختلافات] میان دو فرد یا دو گروه برادرانان اصلاح نمایید و تقوای الهی پیشه کنید، شاید مورد ترحم قرار گیرید.

۱-۳. متکی بودن به خدا

«وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» (طلاق: ۳)؛ و هر که تقوای الهی پیشه کند برای او راهی برای بیرون شدن قرار خواهد داد. از جایی که گمانش را ندارد روزی اش می‌دهد. هر که بر خدا توکل کند، خدا او را کافی است. خدا کار خود را به اجرا می‌رساند و هر چیز را اندازه‌ای قرار داده است.

۱-۴. نقش فعال در تغییرات اجتماعی

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱)؛ خدا چیزی را که از آن مردمی است دگرگون نکند، تا آن مردم خود دگرگون شوند.

۲. محور الگویی رفتارهای تعاملی با سایرین

نگاهی به تاریخ آدمی، چه در زمان گذشته و چه در دوران معاصر، نشان می‌دهد که همواره به صورت جمعی زندگی کرده است. زندگی در اجتماع آن قدر برای بشر اهمیت حیاتی دارد که خارج از اجتماع اساساً برای او تصورناپذیر است. در جامعه دینی ملاک و معیار مطلوبیت محور زیست با دیگران، هماهنگ بودن آن با محور رضایت الهی است و مؤلفه‌های آن شامل موارد زیر است:

۲-۱. عفو و گذشت نسبت به مردم

«وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ» (شوری: ۴۰)؛ سزای هر بدی، بدی است همانند آن. پس کسی که گذشت کند و آشتی ورزد، مزدش با خداست؛ او ستمکاران را دوست ندارد.

۲-۲. هماهنگی بین گفتار و رفتار

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَعْمَلُونَ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَعْمَلُونَ» (صفه: ۳۲)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا سخنی می‌گویید که به آن عمل نمی‌کنید؟ نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگویید ولی عمل نکنید.

۲-۳. صلح‌رحم

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا

بعد اجتماعی رفتارهای انسانی می‌کوشد تا سبک رفتاری خاصی را معرفی کند (شریفی، ۱۳۹۱، ص ۱۶). شهید مطهری هم در تأیید تأثیرگذاری جهان‌بینی بر رفتار، معتقد است که بهترین جهان‌بینی، جهان‌بینی توحیدی است که همه خصائص و خصلت‌های لازم یک جهان‌بینی خوب را دارد و ماهیت از اویی و به سوی اویی دارد. در این نوع جهان‌بینی تعهد و مسئولیت افراد در برابر همه، مفهوم و معنی پیدا می‌کند (مطهری، ۱۳۷۵، ص ۱۰۷). در نظر ایشان جهان‌بینی توحیدی یعنی درک اینکه جهان از یک مشیت حکیمانه پدید آمده است و نظام هستی بر اساس خیر و جود و رحمت و رسانیدن موجودات به کمالات شایسته آنها استوار است (مطهری، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۸۵).

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش بیانگر آن هستند که بنا بر مفاد آیات قرآن کریم الگوی رفتار مطلوب اجتماعی در جامعه دینی شامل محورهای فردی مطابق با ضرورت‌های جمعی، تعاملی با سایرین، اقتصادی، سیاسی و مرتبط با ایفای تکالیف اجتماعی است. در ادامه پس از ذکر هر یک از پنج محور، مؤلفه‌ها و سپس زمینه‌های مصداقی آن‌ها طرح می‌شوند.

۱. محور الگویی رفتارهای فردی مطابق با ضرورت‌های جمعی

الگوی رفتارهای فردی مطابق با ضرورت‌های جمعی در دو گروه، روابط شناختی که دربرگیرنده معرفت انسان به خود و داورهای او درباره خود می‌شود؛ و روابط عملی که عملکردهای انسان نسبت به ضرورت‌های جمعی در آن جای دارد، قابل تبیین است.

۱-۱. لزوم دستیابی به هنر خوب شنیدن

«فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمُ أُولُو الْأَلْبَابِ» (زمر: ۱۷ و ۱۸)؛ پس بندگان مرا بشارت ده، آنان که سخنان را گوش فرا می‌دهند و از بهترین آنها پیروی می‌کنند، ایشان‌اند که هدایتشان کرده‌است و اینان خردمندان‌اند.

۱-۲. سازش دادن مؤمنان

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات: ۱۰)؛ جز این نیست که همه مؤمنان باهم

۲-۷. احسان به والدین و بزرگان

«وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفًّا وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِيلِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا» (اسراء: ۲۳-۲۴)؛ پروردگارت مقرر فرمود که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید. هرگاه (تا تو زنده هستی) هر دوی آنها و یا یکی از آن دو، سالخورده شوند، آنان را میازار و به درستی به آنها خطاب مکن و با آنان به اکرام سخن بگویی، در برابرشان از روی مهربانی سر تواضع فرود آور، و بگو: ای پروردگار من، همچنان که مرا در کوچکی پرورش دادند. به آنان رحم کن.

۲-۸. رعایت عدالت اجتماعی

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ» (نساء: ۱۳۵)؛ ای اهل ایمان، نگهدار عدالت باشید و برای خدا گواهی دهید، هر چند بر ضرر خود یا پدر و مادر و خویشان شما باشد.

۳. محور الگویی رفتارهای اقتصادی

قرآن به همه جنبه‌های زندگی اجتماعی انسان توجه دارد. با وجود اینکه هدف از آفرینش انسان را تکامل معنوی او می‌داند، در عین حال، توجه خاصی به مسائل اقتصادی و مادی او دارد و در کنار توجه به آخرت، به انسان گوشزد می‌کند که نصیب دنیا را نیز از دست ندهد. اهداف کلی رفتارهای اقتصادی در قرآن، میانه‌روی در نحوه بهره‌برداری از منابع و در نظر گرفتن شریعت الهی در تولید، توزیع و مصرف می‌باشد. هدف غایی نیز این است که همه فعالیت‌های اقتصادی را در جهت قرب به خدا و کسب رضای او به انجام رساند (ایمانی، ۱۳۹۱، ص ۱۶).

در ادامه مهم‌ترین رفتارهای اقتصادی طرح‌شده در قرآن کریم ذکر می‌شوند:

۳-۱. کسب روزی حلال

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ» (نساء: ۲۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال یکدیگر را به ناحق نخورید؛ مگر اینکه تجارتي باشد که با رضایت شما انجام پذیرد.

زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا» (نساء: ۱)؛ ای مردم در برابر پروردگارتان تقوا پیشه کنید که همه شما را از یک انسان آفرید و همسر او را (نیز) از جنس او آفرید و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت، و از تقوا در برابر کسی که (همگی به عظمت او معترف‌اید) و هنگامی که چیزی از یکدیگر می‌خواهید، نام او را می‌برید، [ونیز] از خویشاوندان خود [یعنی قطع ارتباط با آنان] پرهیز کنید؛ زیرا خداوند مراقب شما است.

۲-۴. ایثارگری و فداکاری

«وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (حشر: ۹)؛ و آن جماعت انصار که پیش از (هجرت) مهاجرین (در مکه به رسول ایمان آوردند و) مدینه را خانه ایمان گردانیدند و مهاجرین را که به سوی آنها آمدند، دوست می‌دارند و در دل خود هیچ حاجتی (و حسد و بخلی) نسبت به آنچه (از غنائم بنی‌نضیر) که به آنها داده شد، نمی‌یابند و هر چند به چیزی نیازمند باشند باز مهاجرین را بر خویش مقدم می‌دارند (و) جانشان به کلی از بخل و حسد و حرص دنیا پاک است) و هر کس را از خوی بخل و حرص دنیا نگاه دارند آنان به حقیقت رستگاران عالمند.

۲-۵. خویشتن داری در تعاملات اجتماعی

«يَوْمَئِذٍ يَصُدُّ النَّاسُ أَمْثَلًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزال: ۷-۸)؛ در آن روز مردم پراکنده از قبرها بیرون می‌آیند تا حساب اعمالشان به آنان نشان داده شود. پس هر کس به اندازه ذره‌ای کار خیر کرده باشد، آن را می‌بیند و هر کس به اندازه ذره‌ای کار شر کرده باشد آن را می‌بیند.

۲-۶. امانت و رازداری

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا» (نساء: ۵۸)؛ خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبان آن برسانید و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید از روی عدالت داوری کنید، خداوند پند و اندرزهای خوبی به شما می‌دهد، خداوند شنوا و بیناست.

۳-۲. مصرف عقلانی

«وَلَا تَوْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (نساء: ۵)؛ اموالتان را که خدا وسیله قوام زندگی شما قرار داده است به سفیهان ندهید، ولی از آن هزینه و لباسشان دهید و با آنان سخن به نیکی گوید.

۴-۲. همت در انتخاب احسن

«وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ عِبَادَ» (زمر: ۱۷)؛ و کسانی را که از پرستش بتان پرهیز کرده‌اند و به خدا روی آورده‌اند بشارت است پس بندگان مرا بشارت ده.

۴-۳. مشارکت سیاسی

«وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (شوری: ۳۸)؛ و آنان که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده‌اند، و نماز برپا داشته‌اند، و کارهایشان به طریق مشورت در میان ایشان صورت می‌گیرد، و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند.

۳-۳. مبارزه با زراندوزان

«وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَفْقَهُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (توبه: ۳۴)؛ و کسانی که طلا و نقره را جمع‌آوری و ذخیره و پنهان می‌کنند و در راه خدا انفاق نمی‌نمایند آنها را به عذاب دردناکی بشارت ده.

۴-۴. سعه صدر سیاسی

«فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَا كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا قَلْبًا لِأَنْفُسُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران: ۱۵۹)؛ از پرتو رحمت الهی در برابر آنان نرم [و مهربان] شدی و اگر خشن و سنگدل بودی از اطراف تو پراکنده می‌شدند.

۳-۴. مبارزه با رباخواری

«فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (بقره: ۲۷۹)؛ و اگر چنین نکردید [و به رباخواری ادامه دادید]، پس بدانید به جنگ با خدا و فرستاده او برخاسته‌اید و اگر توبه کنید سرمایه‌های شما از آن شماسست، در این صورت نه ستم کرده و نه ستم دیده‌اید.

۴-۵. مقابله با باورهای تفرقه‌انگیز

«كَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ» (حجر: ۹۰)؛ [عذابی به‌سوی شما می‌فرستیم] همان‌گونه که بر تفرقه‌افکنان [در دین] فرستادیم.

۴. محور الگویی رفتارهای سیاسی

رفتارهای سیاسی جامعه دینی موردنظر قرآن ضمن اینکه در راستای پاسداشت ارزش‌های اسلامی و انسانی می‌باشد، تلاشش این است که آدمی با جهت‌گیری الهی در زندگی اجتماعی و سیاسی در فعالیت‌های جامعه مشارکت نماید (جاویدی کلاته جعفرآبادی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۵). این الگوی رفتاری اولویت و اولیت را در برنامه‌ریزی‌های توسعه بر تعالی فرهنگی و اخلاقی قرار داده و در ذیل و ظل آن ثبات سیاسی را پی‌گیری می‌کند. در الگوی رفتارهای سیاسی رابطه دولت و مردم برخاسته از رابطه امام و امت است، نه رابطه حاکم و محکوم یا سلطه‌گر و سلطه‌پذیر. در ادامه رفتارهای سیاسی موردنظر قرآن کریم معرفی می‌شوند:

۴-۶. دوری از نفاق

«وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِي نَقَصَتْ غَزَاهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا تَتَخَذُونَ آبِمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةً هِيَ أَرْبَى مِنْ أُمَّةٍ إِنَّمَا يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ وَلِيُبَيِّنَ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ» (نحل: ۹۲)؛ و مانند آن [زنی] که پشم‌های تابیده خود را پس از استحکام و استواری و می‌تابانید، نباشید که سوگندهایتان را میان خود به بهانه اینکه گروهی [چون مشرکان] از گروهی [چون مؤمنان] از نظر نفرت و امکانات افزون‌ترند، مایه خیانت و فساد قرار دهید [به‌این صورت که از روی تظاهر، مؤمنان را با سوگندهایتان دلخوش کنید که با آنان هستی، و در پشت پرده سوگندهایتان را بشکنید، و به خیال اینکه از ضربه‌های دشمن در امان بمانید، به دشمن پیوندید] جز این نیست که خدا شما را به وسیله آن [نفرت اندک و افزونی نفرت دشمن] آزمایش می‌کند، و روز قیامت آنچه را [از حق و باطل] همواره در آن اختلاف می‌کردید، برای شما روشن می‌سازد.

۴-۱. ولایت‌پذیری و پذیرش حکومت ولایی

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبِعُوا اللَّهَ وَاتَّبِعُوا رَسُولَهُ وَاتَّبِعُوا آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَكُونَ الْوَعْدَ الَّذِي بَعَثْنَا فِيكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ» (مائدة: ۵۵)؛ سرپرست و رهبر شما تنها خداست و پیامبر او، و آنان که ایمان آورده‌اند و نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌پردازند

۴-۷. مجاهدت با دشمنان

«فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثَخْتُمُوهُمُ فَسُدُّوا أَلْوَتَاقَ فِيمَا مَنَّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَكِن لِّيَبْلُوَ بَعْضُكُمْ بِبَعْضٍ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَن يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ» (محمد: ۴)؛ وقتی به کفار برخوردید باید با ایشان بجنگید تا وقتی که کشتگانتان زیاد شود آن وقت است که می‌توانید دست از کشتار کشیده اسیر بگیرید و درباره اسیران یا این است که منت بر آنان نهاده آزادشان می‌کنید و یا این است که فدیة می‌گیرید و آزاد می‌کنید و به این رفتار خود همچنان ادامه می‌دهید تا جنگ تمام شود و این را بدان جهت گفتیم که اگر خدا می‌خواست می‌توانست از کفار انتقام بگیرد، و لیکن خواست تا بعضی از شما را به‌وسیله بعضی دیگر بیازماید و کسانی که در راه خدا کشته شدند خداوند هرگز اعمالشان را نابود نمی‌کند.

۴-۸. مسئولیت‌پذیری سیاسی و اجتماعی

«وَ قِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ» (صافات: ۲۴)؛ و آنان را نگهدارید، باید بازخواست شوند.

۵. محور الگویی رفتارهای مرتبط با ایفای تکالیف اجتماعی

الگوهای رفتاری مرتبط با ایفای تکالیف اجتماعی با توجه به تعاملی که فرد انسانی با دیگر افراد دارد بیان می‌شود، به‌طوری که اگر این فرد تنها روی زمین زندگی می‌کرد، هیچ تکلیف اجتماعی از او خواسته نمی‌شد (مسعودی، ۱۳۸۹، ص ۶۴). در جامعه دینی تکلیف یا به‌عبارت بهتر مسئولیت اجتماعی نوعی احساس التزام به عمل یا واکنش فردی در موقعیت‌های گوناگون به دلیل تقید دینی به سایرین بوده، که نتیجه آن نوعی احساس تعهد و پابندی به دیگران و تبعیت از قواعد و معیارهای اجتماعی و درک قواعد گروهی است که در ذهن و رفتار فرد شکل می‌گیرد (سبحانی‌نژاد و آبنیکی، ۱۳۹۱، ص ۶۲). در ادامه به مهم‌ترین مؤلفه‌های این محور اشاره می‌شود:

۵-۱. لزوم همکاری اجتماعی

«وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعَدْوَانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (مائده: ۲)؛ در راه نیکی و تقوا با یکدیگر تعاون کنید و [هرگز] در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید و از خدا بپرهیزید که مجازاتش شدید است.

۵-۲. قانون‌گرایی

«وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (مائده: ۴۴-۴۷)؛ و آنها که به احکامی که خدا نازل کرده است، حکم نمی‌کنند، کافرند. آنها که به احکامی که خدا نازل کرده است، حکم نمی‌کنند ظالم‌اند. و آنها که به احکامی که خدا نازل کرده است، حکم نمی‌کنند فاسق‌اند.

۵-۳. نظارت همگانی

«الَّذِينَ إِن مَّكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (حج: ۴۱)؛ یاران خدا کسانی هستند که هرگاه در زمین به آنان قدرت بخشیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات را ادا می‌کنند و نهی از منکر و امر به معروف می‌نمایند و پایان همه کارها از آن خداست.

۵-۴. رفاه عمومی

«مَا آفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ كَىٰ لَا يَكُونَ دُولَةَ بَيْنَ الْأَعْيُنِ مِنْكُمْ» (حشر: ۷)؛ در آنچه خداوند [از دارایی] ساکنان آنها قریه‌ها عاید پیامبرش گردانید از آن خدا و رسولش و خویشان او و یتیمان و مسکینان و درراه‌ماندگان است تا در میان ثروتمندان شما دست به دست نگرند.

۵-۵. مهندسی افکار عمومی

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» (بقره: ۲۰۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید همگی در صلح و اشتی درآیید، و از گام‌های شیطان پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست.

۵-۶. درک و ایمان به منشور روابط اجتماعی

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ وَ آيَاتِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ يَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ الْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (نحل: ۹۰)؛ خداوند فرمان به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان می‌دهد و از فحشا و منکر و ظلم و ستم نهی می‌کند، خداوند به شما اندرز می‌دهد شاید متذکر شوید.

۵.۷. خدمت‌رسانی به مردم

«حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ» (مؤمنون: ۹۹-۱۰۰)؛ آنان در شرک و کفر به سر می‌برند تا آن‌گاه که مرگ یکی از آنها فرا رسد گویند: پروردگارا ما را بازگردان شاید عمل صالحی از آنچه ترک کرده بودم انجام دهم. چنین نیست. این سخنی است که او می‌گوید و پیش‌روی آنان عالم برزخ است تا روزی که برانگیخته شوند.

۵.۸. میانه‌روی در کنش‌ها

«وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا» (بقره: ۱۴۳)؛ و همان‌گونه [که شما را به راه راست هدایت کردیم] شما را امتی میانه [و معتدل و پیراسته از افراط و تفریط] قرار دادیم.

۵.۹. مقاومت کردن در برابر ظلم، فساد و تباهی

«وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَتَجِنِّي مِّنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَتَجِنِّي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (تحریم: ۱۱)؛ و خدا برای کسانی که ایمان آورده‌اند، زن فرعون را مثال می‌زند آن‌گاه که گفت: ای پروردگار من، برای من در بهشت نزد خود خانه‌ای بنا کن و مرا از فرعون و عملش نجات ده و مرا از مردم ستمکاره برهان.

۵.۱۰. رعایت تقوای الهی در امور اجتماعی

«إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ» (نحل: ۱۲۸)؛ خداوند همراه با کسانی است که تقوا پیشه می‌کنند و کسانی که نیکوکارند.

۵.۱۱. بازسازی هویت اجتماعی

«يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً أَدْخِلِي فِي عِبَادِي وَادْخِلِي جَنَّتِي» (فجر: ۲۷-۳۰)؛ تو ای روح آرام‌یافته، به سوی پروردگارت بازگرد، درحالی که هم تو از او خشنودی و هم او از تو خشنود است و در سلک بندگانش داخل شو و در بهشتم وارد شو.

۵.۱۲. وجدان اجتماعی

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱)؛ خداوند سرنوشت هیچ ملتی را تغییر نمی‌دهد مگر اینکه آنان تغییراتی در خود ایجاد کنند

نتیجه‌گیری

انسان موجودی اجتماعی است و باید برنامه‌هایی را برای ارتباط با دیگران داشته باشد، چون که شخصیت و هویت انسان در جامعه شکل گرفته و ظهور می‌یابد. دین اسلام به جامعه و اجتماع انسانی اهتمام زیادی قائل است و در راستای اجتماعی‌بودن انسان، برنامه‌هایی برای زندگی او معین کرده، و اصول و معیارهایی در اجتماع و زندگی اجتماعی برایش قرار داده است. قرآن کریم کتاب هدایت بشر به سوی سعادت و کمال است، و رهیافت‌ها و معیارهایی در آن تبیین گردیده است که با مراجعه به آن، می‌توان آنها را به دست آورد و در رفتار اجتماعی خود با دیگران سرلوحه خود قرار داد. چون قرآن کریم به‌عنوان تنها الگوی زندگی توحیدی است که از دستبرد انسان مصون مانده است، الگوهایی جامع و کامل برای انسان ترسیم کرده است. رفتارهای فردی، مطابق با ضرورت‌های جمعی، رفتارهای تعاملی با سایرین، رفتارهای اقتصادی، رفتارهای سیاسی و رفتارهای مرتبط با ایفای تکالیف اجتماعی از آن الگوها هستند. الگوهای مذکور وابستگی شدیدی به هم دارند و اگر همگی در قالب یک برنامه درسی اثربخش دین‌مدار که هدف غایی‌اش کسب رضای الهی و هدایت متربیان به سوی قرب الی‌الله قرا گیرند، می‌توانند انسان دینی [یا به‌عبارت بهتر انسان دین‌دان، دیندار و دین‌یار] و سپس در ادامه، جامعه دینی را ایجاد کنند. جامعه دینی‌ای که آیت‌الله مصباح (۱۳۹۷) شرط تحقق آن را ایجاد معرفت صحیح و احساسات خداپسندانه در افراد می‌داند. ایشان همچنین می‌فرمایند: «که هر چه این معرفت، عمیق‌تر و فراگیرتر باشد، نیل به جامعه دینی نزدیک‌تر است». از سوی دیگر بنا بر فرمایشات استاد، باید بدانیم، «دانستن»، لازم است، اما کافی نیست؛ افراد باید «شور دینی» هم داشته باشند و بتوانند «احساسات پاک دینی» را در خود برانگیزانند. بنابراین، طراحان برنامه درسی باید به دو بُعد دانشی و گرایشی زمینه‌ساز رفتارهای اجتماعی در جامعه دینی، توجه ویژه‌ای داشته باشند. نکته دیگر اینکه ابزار معرفی شده باید بر اساس سطوح رشدی و شناختی یادگیرندگان، یا به‌عبارتی، طبق ظرفیت‌های آنان تنظیم شود و در هر مرحله تربیتی حدی از آن در برنامه درسی لحاظ گردد، تا جنبه علمی و فنی طراحی حفظ شود. اما سخن پایانی اینکه امید است با تشکیل کمیته‌ها و سلسله نشست‌هایی با حضور اندیشمندان حوزه‌های مطالعاتی دین، جامعه‌شناسی و برنامه درسی، بانک اطلاعاتی پویایی در خصوص تناسب میان معارف قرآنی، جامعه‌شناسی و نظام برنامه‌ریزی درسی پایه‌گذاری کرد و آن را با اطلاعات نوین، زنده و پویا نگه داشت.



شکل ۱: جمع بندی الگوهای قرآنی رفتار اجتماعی در جامعه دینی

منابع

- احمدی، فرشته و سمانه داوودی، ۱۳۹۲، *تأثیر منظر شهری بر رفتار اجتماعی شهروندان*، در: مجموعه مقالات دومین کنگره سازه، معماری و توسعه شهری، تبریز، دبیرخانه دائمی کنگره سازه، معماری و توسعه شهری.
- اکبری، منوچهر، ۱۳۹۶، *معیارهای جامعه دینی از منظر قرآن کریم*، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم قرآنی، قم، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.
- انصاری، رضا، ۱۳۹۷، *شاخصه های جامعه دینی از دیدگاه قرآن کریم*، قم، معارف ایمانی، محسن، ۱۳۹۱، «تربیت اقتصادی در راستای تحقق تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی»، *پیوند*، ش ۳۹۰ و ۳۹۱، ص ۱۵-۱۶.
- باقری، خسرو، ۱۳۸۷، *هویت علم دینی: نگاهی معرفت شناختی به نسبت دین با علوم انسانی*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بستان، حسین، ۱۳۹۵، *گامی به سوی علم دینی: ساختار علم تجربی و امکان علم دینی*، قم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ترقی جاه، صدیقه، ۱۳۷۵، *بررسی ارتباط خودپنداره با رفتار اجتماعی در دانش آموزان راهنمایی شهر تهران*، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- جوابدی کلاته جعفرآبادی، طاهره، ۱۳۹۴، «مبانی فلسفی تربیت سیاسی از منظر جان لاک و امام خمینی»، *رهیافت انقلاب اسلامی*، ش ۳۰، ص ۹۹-۱۱۸.
- دورکهایم، امیل، ۱۳۸۳، *صورت اندامی حیات دینی*، ترجمه باقر پرهام، تهران، مرکز.
- رستمی، سمیرا و راضیه شیخ الاسلامی، ۱۳۹۷، «بررسی مدل علی رابطه تمایز یافتگی خود و ابعاد رفتار جامعه پسند با واسطه گری هویت اخلاقی»، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ش ۲۶، ص ۳۶۹-۳۹۳.
- رهنمایی، احمد، ۱۳۹۶، *مبانی ارزش ها*، تهران، سمت.
- سبحانی نژاد، مهدی و زهرا آب نیکی، ۱۳۹۱، «بررسی میزان توجه به مؤلفه های مسئولیت پذیری اجتماعی در محتوای برنامه درسی دوره متوسطه نظری ایران در سال ۱۳۹۰-۱۳۸۹»، *اندیشه های نوین تربیتی*، ش ۲۹، ص ۵۹-۱۰۶.
- شریفی، احمدحسین، ۱۳۹۱، *همیشه بهار: اخلاق و سبک زندگی اسلامی*، قم، معارف.
- ظهیری، مجید، ۱۳۸۴، «جامعه دینی چیست؟»، *پژوهش های اجتماعی اسلامی*، ش ۵۴، ص ۷۱-۹۲.
- عبوضی، محمدرحیم، ۱۳۸۲، «درآمدی بر رویکرد جامعه شناختی دین در حوزه دین پژوهی»، *قیسات*، ش ۲۷، ص ۱۲۷-۱۴۰.
- فخرزراع، حسین، ۱۳۹۳، «جامعه از منظر قرآن»، *معارف قرآنی*، ش ۱۶، ص ۹۳-۱۲۲.
- فولادی، محمد، ۱۳۹۲، «سبک زندگی دینی: جامعه و انسان دینی»، *معرفت*، ش ۱۸۶، ص ۵۱-۷۰.
- قربانزاده، محمد، ۱۳۸۵، *مبانی جامعه دینی در قرآن*، پایان نامه کارشناسی

- ارشاد، رشته علوم قرآنی و حدیث، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- مروتی، سهراب و همکاران، ۱۳۹۵، «مؤلفه‌های تربیتی چشم‌انداز جامعه دینی مبتنی بر قرآن و حدیث»، *آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث*، ش ۴، ص ۴۱-۵۸.
- مسعودی، محمدهاشم، ۱۳۸۹، *ماهیت و مبانی کلامی تکلیف*، قم، بوستان کتاب.
- مصباح، محمدتقی، ۱۳۹۷، بیانات در دیدار اعضای جامعه ایمانی مشعر، ۱۳۹۷/۰۴/۱۳.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۵، *وحی و نبوت*، تهران، صدرا.
- _____، ۱۳۹۵، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا.
- معرفت، محمدهادی، ۱۳۸۴، «مبانی جامعه دینی از نگاه قرآن و سنت»، *اندیشه حوزه*، ش ۵۶، ص ۷۱-۹۲.
- معروفی، یحیی و زهرا کرمی، ۱۳۹۲، *برنامه درسی معنوی، جیستی و چرایی*، در: مجموعه چکیده مقالات چهارمین همایش انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران: مبانی فلسفی تحول در نظام آموزش و پرورش ایران، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- مقام معظم رهبری، ۱۳۷۱، بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی، ۱۳۷۱/۰۱/۱۵.
- ملکی، حسن، ۱۳۸۲، *دین و برنامه درسی*، تهران، انجمن اولیا و مربیان.
- _____، ۱۳۹۵، *برنامه‌ریزی درسی (راهنمای عمل)*، تهران، منادی تربیت.
- موسی‌پور، نعمت‌اله و فرهاد امیرسرداری، ۱۳۸۴، *مبانی برنامه درسی در کتاب علوم تربیتی*، تهران، سمت.
- مهرمحمدی، محمود، ۱۳۸۸، *مباحث کلاسی درس نظریه های برنامه درسی دوره دکتری*، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- وبر، ماکس، ۱۳۷۳، اخلاق پروتستان و روح سرمایه داری، ترجمه عبدالکریم رشیدیان و پریسا منوچهری کاشانی، تهران، علمی و فرهنگی.
- همتی، همایون، ۱۳۹۲، «تحلیل نقش دین در جامعه»، *معرفت/ادیان*، ش ۱۵، ص ۱۸۷.
- هیئت تحریریه مؤسسه مکاتباتی اسلام‌شناسی، ۱۳۶۲، *انسان کامل از دیدگاه کی‌یرکگارد، یاسپرس، سارتر*، تهران، مؤسسه مطالعاتی اسلام‌شناسی.
- Aimin L, Yan C, 2011, "A Case study of Colleg English Curriculum Design Under the social Needs Analysis", *Studies in Literature and Language*, N. 3, p. 1-5.
- Graham, PW, Kapitzke, C, 2010, *Curriculum and religion. In International Encyclopedia of Education*, 3rd ed. Elsevier, Oxford, p. 272-276.
- Warren, A, Haynes, N C, 2016, *Taking Religion Seriously Across the Curriculum*, USA, Association for Supervision & Curriculum Development.